

کلید باغ سیب و گلابی دست آمریکا نیست!

■ سید روح الله امین آبادی

عده‌های چنین دشمنی و حساب کردن به دوستی او برای عبور از مشکلات تا چه اندازه می‌تواند ساده لوحانه باشد؟ سوالی است که جواب به آن سهل و ممتنع است، سهل از آن رو که تاریخ جواب سؤال فوق را به کرات داده است و نیاز بی تامل و مذاقه فراوان نیست و ممتنع از آن روی که چرا سیاستمدارانی که بایستی نگاه عمیقی به رویدادها و تحولات داشته باشند و از سطح به معنا عبور کنند چنین به آینده‌ای که هرگز نمی‌رسد دل بسته‌اند و از باغ سیب و گلابی سخن می‌گویند؟! پی نوشت ها در دفتر روزنامه موجود است

چرا باید مظلومیت مردم آمریکا را فریاد بزنیم؟! عرفانه فتحیان

بعد از گذشت سال‌ها از تاسیس مک دونالد، در سال ۲۰۱۶ نسخه جدیدی به مردم آمریکا ارائه شده است که هیلادونالد نام داردا این ترکیب در ظاهر بیش از چینیش دو واژه، فاصله دارند اما دعوی زرگری رسم سیاستمداران بوده و هست. اینکه فریادها صرفا برای دو نامزد بلند است و اسمی از نماینده قشر دیگری به میان نیست جای تامل دارد و داستان تلخ شمالی نشینان این قاره است.

خر یا قیل! این روزها مسئله این است! و گاهی انتخاب گستره ای نمایشی دارد که این و آنش، آنچنان تکان دهنده نیست ولی برای حفظ موجودیت مجبور می‌شوی همین انتخاب را دریایی تا دست کم با تغییر ارقام جمع انتخابگران، از مخو شدن بگریزی. حالا ۴۱ درصد ملت آمریکا نسبت به صحت روند انتخابات اطمینان خاطر ندارند و جوانها درصد کمی از شرکت کنندگان را تشکیل میدهند و هر دو یعنی کاش کمیت فدای کیفیت می‌شد ولی زهر بی اعتمادی به شریان رابطه عوام با سیاستپون وارد نمی‌شد. اینکه منوی هیلادونالد نیز به جذابیت برگرهای مک دونالد از آب در بیاید کمی جای حرف دارد و احتمالا بوزخند، اولین واکنش شما به این جمله خواهد بود!

چیزی که تا اینجا خوب خوندنمایی میکند این است که خبری از چاشنی اخلاق در آشپزخانه پیش رو نیست!

امسال یکی از مخاطبان اصلی ما، مظلومان آمریکایی خواهند بود. شاید چنین ترکیبی شما را متعجب کند اما یادمان نرود گاهی ظالم چنان مظلوم را آذین بندی می‌کند که ذهن‌ها برای اعتراض به ناگجا میروند این ناگجا نه به این معناست که ظلم‌های آشکار و خونین این سیاستمداران کاسه لیس پیود، فرج بر مقصود ماست اما گرگی که به فرزندانش رحم نکند نگاهش به طعمه‌ها چیزی جز دردن نخواهد بود.

هیلاری با دونالد، هر دو سرآشپز یک دستورالعمل‌اند و فقط نمای متفاوتی دارند. یادمان باشد مزیت مک دونالد این است که در تمام دنیا طعم و کیفیت یکسان دارد! روزهای آخر دولت باراک اوباما با داعی بر پیشانی رو به اتمام است و به قول مرد اول جمهوری خواهان، توافق با ایران حتی ارزش مکتوب ماندن ندارد و باید پاره شود. هر چند همگان می‌دانند که بهانه گیری ترامپ چیزی جز رقیب افکنی نیست و برجام شروع خوبی برای آرام کردن این نسل پشرو تسخیرگران لانه جاسوسی است.

در این یک سال اخیر اینقدر حول برجام حرف زده‌اند و به تحلیلش نشستند که خلأها در این موضوع با چشم غیر مسلح قابل دیدن نیست! فقط میدانم چیزی از ۱۳ آبانما مک نکرده، بغضی از بعضی هایمان را به حب مبدل نساخت، و مژبری بر دهانمان کوبید که حتی معذب شویم برای مشت‌های گره شده و فریاد های مرگ آلودی که نثار سیاست هایشان میکردیم.

اینکه کلید تدبیر به اعتراف خودی‌ها در ی کشود که نمای آن باغ بی ثمری ست، بماند! اما کاش آنچه که تصویر میکند را ما نیز از لنز تلسکوپ به چشم می دیدیم. هرچند در این بین گردن بر ندای پشرو مسلک سیه لشکر موافقان، وقوف و کودی عجیب نیز به ما رسید، چنانکه گاهی هوس میکنی بازی دلار و نوسان قیمتش مثل چندی پیش سر به سر اقتصادمان بگذارد ولی لاقال تکانی به این روزهای تار عنکبوت بسته می‌داد. شاید تلخ باشد ولی برای خلاصه سالهای اخیر چیزی جز بیت زهر دهنم را قلقلک نمی‌دهد:

«در راه کلید خانه را گم کردند
در راه کلید، خانه را گم کردند!»

امسال ۱۳ آبان را مطمئن تر فریاد می‌زنیم، چون برای شک هایمان بهانه های مستدل به کار کردند و اثبات شد رویای هم کلامی با سرانفشان که ناشی از تدابیر ناشیانه برخی بزرگانمان بود را نمی‌توانند آن‌قدرها هم آرمانی از آب در آورند و اعتبار و اصلتش به قدر همان رویا بوده و بس!

اصلا امسال باید صدایمان به مردمانی که چند روزی بعد از تلنگر هر ساله ما در نیمه اول آبان، کشورشان صحنه انتخاب خواهد شد برسد. هر چند این صدا علی الظاهر ندای خصومت و تفرقه باشد اما آنان که پیام نامه رهبری به جوانان غرب را دریافتند، می‌فهمند گرچه فریادمان لباس رزم بر تن دارد ولی در بطن آن ندای نلسکر موقلمان، وقوف و کودی عجیب و امسال یکی از مخاطبان اصلی ما، مظلومان آمریکایی خواهند بود. شاید چنین ترکیبی شما را متعجب کند اما یادمان نرود گاهی ظالم چنان مظلوم را آذین بندی می‌کند که ذهن‌ها برای اعتراض به ناگجا می‌روند!

این ناگجا نه به این معناست که ظلم‌های آشکار و خونین این سیاستمداران کاسه لیس پیود، فرج بر مقصود ماست اما گرگی که فرزندانش رحم نکند نگاهش به طعمه‌ها چیزی جز دردن نخواهد بود.

تبعیض نژادی، عنوانی که تا سالها قبل در حق رای، درآمد و امکانات عمومی که حقوق بدیهی شهروندان است اثر مشهودتری داشت و یا قانون دفاع مرگبار که سالانه جان ۲۸ هزار آمریکایی را می‌گیرد چرا که به بهانه دموکراسی، در ازای ۵ درصد جمعیت جهان که در این حیطه ساکن‌اند ۵۰ درصد از سلاح های غیر نظامی دنیا در اختیار آنهاست. ۵۰ میلیون هیبسانپنیک که بزرگترین اقلیت آمریکا هستند در آمدی برابر با ۶۴ درصد سفید پوستان دارند و ۴۶ درصد از خانه دار های این کشور را تشکیل می‌دهند. قتل های مکرر توسط پلیس، که ۷۷ درصد آنها بی علت بوده و اتفاقا تاکنون قرعه همواره به نام رنگین پوستان این منطقه افتاده است!

۲۶۰۰ کودک، محکوم به حبس ابد و بدون عفو در زندانهای ایالات متحده‌اند و سالانه حدود ۸۰۰ هزار گزارش ربودن یا گم شدن اطفالی که ۴۰ درصد آنها باز نمی‌گردند ثبت می‌شود. یک میلیون بی خانمان و بیش از سه میلیون مسالمدن بالای ۶۵ سال زیر خط فقر هستند، هم چنین در سال ۲۰۰۳ صد هزار گزارش بدرفتاری با این افراد تنها در ایالت کالیفرنیا موجود است.

رتبه دوم اعدام در دنیا پس از چین و رتبه ۱۶م در تساوای حقوق و در آمد، چنانکه به ازای کار برابر، زنان ۶۶ درصد مردان دستمزد دریافت خواهند کرد نیز متعلق به این کشور است. هم چنین محدودیت های انتخاباتی که زندانبانان را فاقد حق رای میداند و طی یکسال تا ۲۰۱۰ به بهانه اسناد هویت، نزدیک به پنج میلیون نفر از انتخابات محروم شدند. به گزارش FBI ششصد و پنجاه و نه میلیون مکالمه شستون شده است و وضعیت آزادی بیان را هم با مالکیت رسانه و مواجهه با قول یا فعلی که نشان دهنده تردید در هولوکاست باشد، می‌توان به عینه دید!

همه این اشارات یعنی قابل حدس است که هیلادونالد مورد بحث ما برای منوی ویژه خود، خون مظلومان زیادی از داخل و خارج قلمروی حکومتش را به شیشه کرده و آماده سرو نیز خواهد نمود!

نایستاد و همچنان به راه خود ادامه داد». ^(۱)
روزهایی که آمریکا گمان می‌کرد انقلاب تمام شده است!

اسناد لانه جاسوسی نیز نوشته‌های ترتر را تائید و اثبات می‌کند؛ سفارت آمریکا در تهران در اولین روز خرداد ۱۳۵۷ در گزارشی که به وزارت خارجه این کشور ارسال کرد با ابراز رضایت و خوش بینی نسبت به آرامش نسبی که در چند روز گذشته در کشور حکمفرما بوده است این مسئله را بررسی کرده و نوشت: «... علی رغم وقایع گاه و بی‌گاه اینجا و آنجا یک آرامش نسبی جایگزین آشفته‌گی‌های اخیر در طول چند ماه گذشته تقریبا روزانه یک واقعه یا بیشتر اتفاق می‌افتاد شماره این وقایع اخیرا به ۴ یا ۴ واقعه در هفته کاهش یافته است»

سفارت آمریکا در بخش دیگری از گزارش خود به سعی رژیم برای فاصله انداختن میان رهبر انقلاب و سایر روحانیون اشاره و اضافه کرد: «برعکس آیت‌الله خمینی که هدفش سرنگونی رژیم شاه است و این را پنهان نمی‌کند گروهی از رهبران هدف‌های محدودتری در سر دارند، عمدتا آنها می‌خواهند که به نظریاتشان توجه

رئیس اسبق سازمان سیا: تقریبا همه ما در دستگاه امنیت ملی در زمان شاه به ایران سفر کرده و هیچ کدام نشانی از عدم ثبات ندیده بودیم. در ایران از ما شاهانه پذیرایی می‌شد.

«...»

شود و تا زمانی که دولت تریه کمی به آنها می‌داده که تلاش‌های پشت پرده در جریان است که با مذهبیون محافظه کار باب مذاکره و گفت‌وگو باز شود و آنها را از آیت‌الله خمینی اگر ممکن باشد جدا کنند. در حالی که خیلی از این رهبران مذهبی سلطنت را به عنوان یک نهاده لازم که اسلام را در مقابل رقابت کمونیستی محفوظ می‌دارد می‌بینند و هیچ راه حلی بجز شاه به نظر نمی‌رسد» ^(۲)

سفارت در گزارش خود ادامه می‌دهد: «ما می‌دانیم که تلاش‌های پشت پرده در جریان است که با مذهبیون محافظه کار باب مذاکره و گفت‌وگو باز شود و آنها را از آیت‌الله خمینی اگر ممکن باشد جدا کنند. در حالی که خیلی از این رهبران مذهبی سلطنت را به عنوان یک نهاده لازم که اسلام را در مقابل رقابت کمونیستی محفوظ می‌دارد می‌بینند و هیچ راه حلی بجز شاه به نظر نمی‌رسد» ^(۳)

یک نمونه دیگر: تلاش آمریکا برای به انحراف کشیدن انقلاب شاید به همین دلیل بود که سفارت آمریکا گمان می‌کرد اگر بتواند با رهبر سازی برای انقلاب در صفوف نهضت رخنه کرده و آن را به انحراف یکشانده شاه را بجات خواهد داد ولی این تصور غلط نیز با شکست خفت باری رو به رشد و مردم یک صد امام خمینی را فریاد زدند و بعد از انقلاب نیز در پاسخ به تلاش‌های لیبرال‌های بریده از وطن در خیابان‌های این معمار را سر دادند «حزب فقط حزب الله، و رهبر فقط روح الله» چنان چه گفته شد نیمه دوم سال ۵۷ آمریکا در صدد این بر آمده بود تا با رهبر سازی برای

رئیس وقت سازمان سیا:حکومت شاه به سرعت روبه زوال بود. او فقط ۵ماه بعد از آنکه سازمان سیا پیش‌بینی کرده بود که او تا ۱۰سال دیگر دوام خواهد آورد ایران را ترک کرد و خود را تبعید نمود.

«...»

انقلاب نهضت اسلامی را به انحراف یکشانده، در این راستا ارتباط گیری با مطبوعات از جمله سناتور مصباح زاده مدیر وقت روزنامه کیهان در دستور کار قرار گرفت. در سندی به تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۰ آذر ۱۳۵۷) که از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امورخارجه این کشور در واشنگتن دی سی ارسال شده با اشاره به برگزاری یک راهپیمایی به اصطلاح ضد حکومتی با محوریت خود رژیم و برای به اعتدال کشیدن مسیر تظاهرات آمده است «اردشیر زاهدی که مذاکره‌کننده اصلی دولت برای برنامه راهپیمایی بود در غروب آن روز به من گفت: تعدادی از افراد ما در این تظاهرات شرکت کردند و سعی نمودند که آن را به سوی اعتدال سوق دهند. وی همچنین متذکر شد که «عده‌ای از میانه روها» به جای عکس [امام] خمینی عکس آیت‌الله [شریعتمداری را حمل می‌کردند.»

در ادامه این سند آمده است: «تمام این‌ها نشان دهنده همکاری بین دولت و رهبران میانه‌رو می‌باشد تا بدین ترتیب رهبران سیاسی میانه‌رو به هزینه امام خمینی کسب وجهه کنند. برای شاه چنان‌چه صلی متعاقبا بخواد با جبهه ملی به عنوان طرف اصلی این تشکیل یک دولت ائتلافی مذاکره کند، این تاکتیک خوبی است. پیش از این سناتور مصباح زاده در بحث درباره ضعف سیاسی جبهه ملی به ما گفته بود، در صورتی که خواسته شود، نشريات کیهان می‌توانند در عرض چند هفته از این‌ها قهرمان ملی بسازند.» ^(۴)

خمینی که به حالت تبعید در فرانسه به سر می‌برد به هم جوش داده شوند و اگر چه بعد از سقوط شاه اتصال این گروه‌ها نیز از هم گسست می‌شود، هر یک رو به سوی نبی‌نهند ولی انقلاب از پا



امام: تمامی گرفتاری‌ها از آمریکاست

امام: نمی‌گذاریم توطئه‌های آمریکا وانگیلیس به ثمر برسد

معاون نظامی عراق

فرستادگان کارتر از نیمه راه برگشتند

کشف صد هانمب و کارآشک آوور در سفارت آمریکا

گروگانها در صورت دخالت نظامی آمریکا نابود میشوند

جزئیات طرح ضربتی شورای انقلاب برای اداره کشور

ایران تا پایان انتخابات مجلس شورای نخست وزیر نخواهد داشت

استعفای دولت بازرگان تقدیم امام شد

ایران قرارداد همکاری با آمریکا را لغو کرد

مهاجمین استناداری که مانع از بازگشت ایران است

مذاکرات امروز کردستان تعیین کننده حیاتی است

آخرین گزارشها از گروگان گیری و اشغال انقلابی سفارت آمریکا

کنسولگری آمریکا در شیراز هم اشغال شد

نخستین افشکاری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: نفوذ گسترده سیا در سازمانهای اجرایی ایران

بازرگان: تکراری ما نیست که مملکت باز هم چند قطعی شود

ترکیب تازه شورای انقلاب و سیاست کلی کشور

نقشه ورود شاه مخلوع به آمریکا چگونه اجرا شد

عکس یادگاری دولت بازرگان

آخرین تحولات در کردستان

امام: کوشش کنید آرامش محفوظ باشد

حزب دموکرات، امام را رهبر واقعی ملت میدانند

درد ز خود خورد سردشت

میزان نفوذ ایشان میان اقبشار مختلف مردم در اعترافی تاریخی می‌نویسند: «هرگز تصور نمی‌کردیم که همه گروه‌های نارضی و مخالف نشی توسط یک روحانی ۷۹ساله به نام آیت‌الله

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ صفحه کیمهان

۱۲ آبان ۱۳۵۷ دانشجویان پیرو خط امام لانه جاسوسی را تسخیر کرده و به توهم سرمدناران کاخ سفید که گمان می‌کردند با نفوذ در دولت موقت می‌توانند سیاست‌های پیشین را پیگیری کنند پایان دادند. امام خمینی(ره) تسخیر لانه جاسوسی را انقلاب دوم و انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نامیدند و با این تعبیر راه را بر سیاست پیشگانی که به دنبال تعابیر دیپلماتیکی بودند تا اقدام دانشجویان مسلمان را تخطئه کنند بستند هر چند عده‌ای چون بنی صدرها و قطب زاده‌ها در پشت صحنه به دنبال آزادی زودهنگام جاسوس‌ها بودند تا کدخدا ناراحت نشود ولی مردم در صحنه حضور داشتند و روزی نبود که در اطراف سفارت سابق آمریکا که اینک توسط دانشجویان مسلمان آزاد شده بود و نماد حقارت یک قدرت بین‌المللی مردم تجمع نکنند و شعار مرگ بر آمریکا را سرزدنند.

این روزها سالگرد انقلاب دوم است و عده‌ای به آن کدخدای تحقیر شده دل بسته‌اند

بعضی‌ها به آن دل بسته‌اند هیچ گاه نتوانسته نورگان خود را حفظ کرده مخالفان و دشمنان را نیز سرکوب و از مسیر خود منحرف سازد، امیدوار بودن به وعده‌های چنین دشمنی و حساب کردن به دوستی او برای عبور از مشکلات تا چه اندازه می‌تواند ساده لوحانه باشد؟

چرا سیاستمدارانی که بایستی نگاه عمیقی به رویدادها و تحولات داشته باشند و از سطح به معنا عبور کنند چنین به آینده‌ای که هرگز نمی‌رسد دل بسته‌اند و از باغ سیب و گلابی سخن می‌گویند؟!
 «...»

کدخدایی که هر چه در چنته داشت در چهار دهه پیش رو کرد و جز فشارهایی که طبیعی گذر زمان بود کاری از پیش نبرد.

در این نوشتار می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که چه شد آمریکا ابرقدرت، آمریکایی که مدعی بود «گر بر سر خشاک یکی پشه بچیند، چشیدن آن عیان شده در نظر ماست» نتوانست انقلاب اسلامی ملت ایران را پیش‌بینی کرده شاه را نجات دهد و از تسخیر سفارت خود در تهران جلوگیری کند؟! ^(۱)

سوالی که به آن استانسفیلد ترتر رئیس‌وقت سازمان سیا در کتاب «پیش از خواندن بسوزانید» به عیان جواب داده و اعتراف کرده است «گروه اطلاعاتی ما در ایران بسیار محدود بود ما به اطلاعات کافی دسترسی نداشتیم چون شاه دولت قابل اعتماد ما بود و ما در مورد او به طور جدی و با دقت جاسوسی نمی‌کردیم» همین دلیل قبل از سقوط شاه ما عوامل زیادی در ایران نداشتیم و بعد از انقلاب هم بیعتنا قادر به جلب افراد قابل اطمینان نبودیم.» ^(۲) «در کل کوتاهی ما در کسب اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر از اوضاع ایران به کارتر تلمه زد. ما متوجه نشده بودیم که پایه‌های سیاسی حکومت شاه تا چه حد متزلزل بود، ما نمی‌دانستیم که شاه بیماری علاج ناپذیری داشت، ما از درک آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب و میزان نفوذ او عاجز بودیم»

ترتر که با اشتباهات خود زمینه شکست کارتر را در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا فراهم کرده بود جزئیات بیشتری از آن اشتباه

استانسفیلد ترتر رئیس‌وقت سازمان سیا در کتاب «پیش از خواندن بسوزانید»: بی‌اطلاعی ما در مورد موقعیت شاه تا آنجا بود که کارتر در دسامبر ۱۹۷۹در سفر خود به ایران شاه را جزیره ثبات در منطقه‌ای ناآرام خواند. ما هم در سیا غیر از غییر از این فکر نمی‌کردیم. هشت ماه بعد از تظاهرات متعدد در تهران دفتر برآوردهای ملی پیش‌نویس برآورده درباره اوضاع ایران را برای من ارسال داشت و ادعا کرد که شاه برای ۱۰ سال دیگر دوام خواهد آورد. پیش‌نویس را پس فرستادم و متذکر شدم که با توجه به ناآرامیهای جاری در ایران حداقل باید بپذیریم که شاه مشکل دارد. اینکه برای بررسی دقیق از موقعیت شاه و اوضاع ایران اصرار نکردم مسلما یک اشتباه فاحش بود ...»

ترتر ادامه می‌دهد: «تقریبا همه ما در دستگاه امنیت ملی در زمان شاه به ایران سفر کرده و هیچ کدام نشانی از عدم ثبات ندیده بودیم. در ایران از ما شاهانه پذیرایی می‌شد ما رفت و آمد ما تحت کنترل و محدود بود ...»

رئیس‌وقت سازمان سیا در نهایت می‌نویسد: «حکومت شاه به سرعت رو به زوال بود. اوقفت ۵ماه بعد از آنکه سازمان سیا پیش‌بینی کرده بود که او تا ۱۰ سال دیگر دوام خواهد آورد ایران

رئیس‌وقت سازمان سیا در نهایت می‌نویسد: «حکومت شاه به سرعت رو به زوال بود. اوقفت ۵ماه بعد از آنکه سازمان سیا پیش‌بینی کرده بود که او تا ۱۰ سال دیگر دوام خواهد آورد ایران